

در مرزها ۱

مفهوم رنگ ها: ماضی | ماضی منفی | ضمیر | پرسشی

محسن	الجدّه: مادر بزرگ
عَلَيْكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتِ؟ سلام بر تو چه کسی هستی؟	أَلُو. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَزِيزِي. الو، سلام بر تو عزیز من.
عَفْوًا؛ مَا عَرَفْتُ صَوْتَكَ. كَيْفَ حَالِكِ؟ ببخشید، صدایت را نشناختم. حالت چطور است؟	كَيْفَ مَا عَرَفْتُ جَدَّتَكَ؟! چطور مادر بزرگت را نشناختی؟
كُلُّنَا بِخَيْرٍ. همه‌ی ما خوبیم.	أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ حَالُكُمْ؟ من خوبم حال شما چطور است؟

أَيْنَ أَنْتُمْ الْآنَ؟

الان شما کجا هستید؟

وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مِهْرَانَ فِي
الْحُدُودِ.

به شهر مهران در مرز رسیدیم.

أَيْنَ الْوَالِدُ وَالْوَالِدَةُ؟

پدر و مادرت کجا هستند؟

هُمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ.

آن‌ها روی صندلی نشسته‌اند.

هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟

آیا آن دو خوب هستند؟

نَعَمْ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

بله خدا رو شکر

كَيْفَ الْجَوُّ هُنَاكَ؟

هوا آن‌جا چه طور است؟

الْجَوُّ بَارِدٌ قَلِيلًا.

هوا کمی سرد است.

مَاذَا لِبِئْسَ يَا عَزِيزِي؟

عزیزم چه پوشیده‌ای؟

—

— مَاذَا لِبِئْسَ أَبُوكَ وَ

لِبِئْسَ أُمُّكَ؟

پدرت چه پوشیده و مادر

چه پوشیده است؟

لِبِئْسَ مَلَابِئِسَ مُنَاسِبَةٍ.

لباس‌های مناسب پوشیدیم.

- ماذا لَيْسَ أبوكَ و

لَيْسَتْ أُمُّكَ؟

پدرت چه پوشیده و مادر

چه پوشیده است؟

لَيْسَنَا مَلَايِسَ مُنَاسِبَةً.

لباس‌های مناسب پوشیدیم.

حَفِظَكُمُ اللَّهُ! مَعَ السَّلَامَةِ.

خدا شما را حفظ کند. به

سلامت.

شُكْرًا جَزِيلًا. إِلَى اللِّقَاءِ.

خیلی ممنون. به امید دیدار.



نَحْنُ جَلَسْنَا فِي الْمَكْتَبَةِ.

ترجمه: ما نشستیم در

کتابخانه



نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَاتِنَا.

ترجمه: ما نوشتیم

تکالیفمان را

♦ تمرین یک- الاول

✎ ترجمه کنید.

۱. ...ضَرْبُنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

ترجمه: در این قرآن برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم.

۲. أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ

ترجمه: ای ابراهیم آیا تو با خدایان ما چنین کردی؟

۳. ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ

ترجمه: برای ما مثلی زد و خلقت خودش را فراموش کرد.

۴. قَالَ الطِّفْلُ: «أَنَا مَا حَزِنْتُ».

ترجمه: کودک گفت: «من غمگین نبودم».

۵. نَحْنُ مَا عَبَرْنَا الْحُدُودَ.

ترجمه: ما از مرزها عبور نکردیم.

♦ تمرین دوم- الثانی

☞ کلمات مرتبط در ردیف «الف» و «ب» را به هم وصل

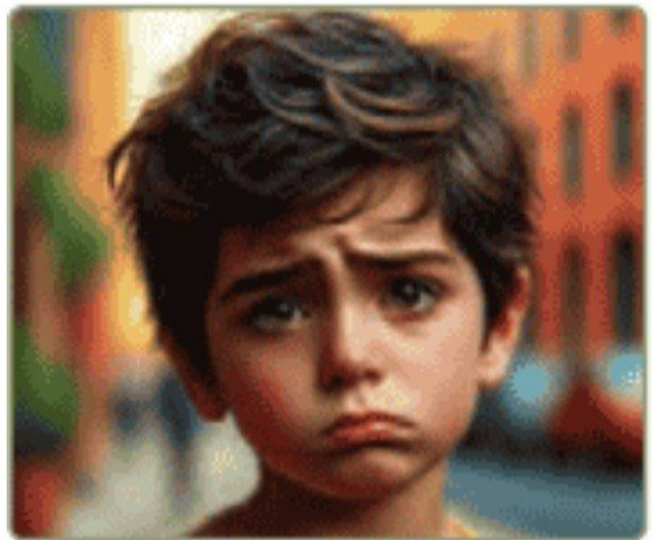
کنید.

پیراهن زنانه دانش دنیا نماز فراموشی پرسیدن	
الفُستَانُ - الْعِلْمُ - الدُّنْيَا - الصَّلَاةُ - النَّسْيَانُ - السُّؤَالُ	الف
ب	مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ - كَنْزٌ - مِنْ مَلَابِيسِ النِّسَاءِ - آفَةُ الْعِلْمِ - مِفْتَاحُ الْعِلْمِ - عَمُودُ الدِّينِ
مزرعه آخرت است گنج است از لباس های زنانه آسیب علم است کلید علم است ستون دین است	



أَنْتَ نَصْرَتَهُ. لِأَنَّكَ شَرِيفٌ.

ترجمه: تو او را یاری
می‌کنی. زیرا تو شریف
هستی.



أَنَا حَزِنْتُ قَلِيلًا.

ترجمه: من کمی ناراحت
بودم.



أَنْتِ لَبِستِ عَبَاءَةً جَمِيلَةً.

ترجمه: تو چادر زیبایی
پوشیدی.



هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.

ترجمه: او روی زمین افتاد.



هِيَ نَسِيَتْ شَيْئًا.

ترجمہ: او چیزی را فراموش کرد.



نَحْنُ وَقَفْنَا لِأَخْذِ الْجَوَائِزِ.

ترجمه: ما برای گرفتن
جایزه‌ها ایستاده‌ایم.



نَحْنُ شَعَرْنَا بِالِافْتِخَارِ.

ترجمه: ما احساس افتخار
می‌کنیم.



نَحْنُ فَرَحْنَا كَثِيرًا.

ترجمه: ما خیلی خوشحال
بودیم.



نَحْنُ عَبَرْنَا الْجَبَلَ.

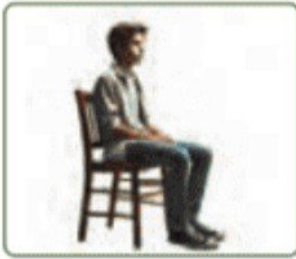
ترجمه: ما از کوه عبور
کردیم.



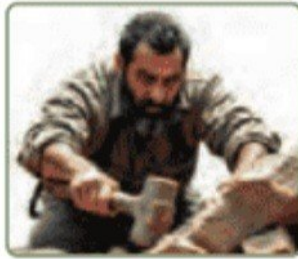
نَحْنُ قَطَعْنَا الْخَشَبَ.

تمرین برای خانه

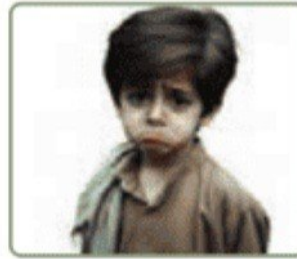
در جای خالی، فعل ماضی مناسب بنویسید.



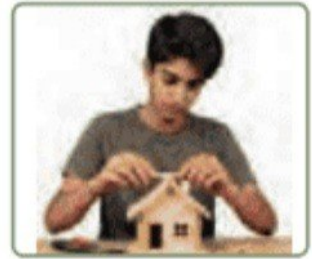
جَلَسَ



ضَرَبَ



حَزِنَ



صَنَعَ

جَلَسَ. ضَرَبَ. صَنَعَ. حَزِنَ



وَصَلَتْ



بَحَثَتْ



فَرَحَتْ



عَمِلَتْ

فَرَحَتْ. وَصَلَتْ. عَمِلَتْ. بَحَثَتْ



أَخَذَ



أَكَلَ



قَطَعَ



غَسَلَ

أَخَذَ. أَكَلَ. قَطَعَ. غَسَلَ



لَعِبَتْ



صَعِدَتْ



نَسِيَتْ



وَقَفَتْ

لَعِبَتْ. صَعِدَتْ. نَسِيَتْ. وَقَفَتْ